

## متن کامل پرسش های

### دانشجویان دانشگاه امام صادق از ضرغامی

آذر ماه ۱۳۸۷

جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی دانشجویان دانشگاه امام صادق - علیه السلام - با حضور مهندس ضرغامی پیرامون نقد و بررسی عملکرد سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برگزار شد اما اغلب رسانه های خبری، به طرح چند خط از پرسش های تفصیلی دانشجویان، کفایت کردند.

بسیج دانشجویی این دانشگاه پیرو این پوشش رسانه ای نامناسب، متن پرسش های دانشجویان این دانشگاه از ریاست سازمان صدا و سیما را منتشر کرده است.

این تشکل دانشجویی همچنین با اشاره به قول مساعد ضرغامی نسبت به مساعدت صدا و سیما در تولید و پخش برنامه ۹۰ سیاسی - فرهنگی و همچنین برنامه کرسی های آزاد اندیشی، خاطرنشان کرده است: طرح اولیه این برنامه از سوی بسیج دانشجویی دانشگاه آماده شده و به زودی در اختیار سازمان صدا و سیما قرار خواهد گرفت. فیلم جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی با مهندس ضرغامی نیز تدوین شده و آماده ارائه به متقاضیان در سراسر کشور می باشد.

متن صحبت های آقای سید مجید امامی:

من در دوسه محور خیلی سریع خدمت هم دانشگاهی های عزیز و آقای مهندس یک سری مطالبی را که حاصل هشت سال کار در سازمان صدا و سیما و بعد دقت در عملکرد رسانه ملی است را از یک موضع فرهنگی بیان می کنم و بعد تاکید می کنم اینکه مسئولین رسانه ملی به صورت نسبی از متعهدترین و مومن ترین گروه ها در مدیران کشور هستند طبعاً ما شکی نداریم و هرآنچه در نقد و ابهام وجود دارد مربوط به ساختارها و فرآیندها می شود نه مربوط به عاملیت ها و این را پیش فرض همه صحبت های خودم قرار می دهم.

فقدان فرآیند مدیریت پیام در سازمان صدا و سیما

اولین نکته ای که در مورد سازمان صدا و سیما باید مورد تاکید قرار بگیرد فقدان فرآیند مدیریت پیام در سازمان صدا و سیماست که از ۵ سال پیش مورد تاکید رهبر معظم انقلاب بود به عنوان اصلی ترین ماموریت سازمان صدا و سیما. من یک سری مصادیق را می گویم ولی اصلاً به این مصادیق ها کاری ندارم و از آقای مهندس هم خواهش می کنم درباره این مثال ها که گذشته و مافات مزی، در مورد اینها خودشان را نگران نکنند و ان شاءالله که آن چیزی که ما فکر می کنیم در تاثیر این مثال ها حداقلی باشد و بحث ما درباره آینده است. ببینید ساده ترین منظور ما از فرآیند مدیریت پیام این است که سازو کار پیشینی و به قول ادبیات دینی هدایتی پیشینی برای تولید محتوا در سازمان صدا و سیما از راس و بالاترین قسمت که به قول ما رسانه ای ها می شود نخبگان فرهنگی تا پایین ترین قسمت که می شود یک تهیه کننده و عامل برنامه ای وجود ندارد و

طبعا در هر سطحی این محتوا یک بیانی دارد و من چون در سازمان کتاب برنامه می نوشتم می دانم بیانی که برای گروه باید نوشت چه هست بیانی که برای تهیه کننده باید نوشت چه هست و اینها تفاوت دارد. برخی اش کیفی است و بعضی اش هم کمی. به هیچ وجه فرایند مدیریت پیام در سازمان صدا و سیما وجود ندارد.

عدم اجرای سیاست ها و ضوابط مصوب

علی رغم هزاران صفحه ای که البته قبل از مسئولیت شما در افق رسانه نوشته شد و صدها صفحه باز در قبل از دوره مسئولیت شما و بعد از آن در کتاب برنامه ( کتاب ضوابط و اصول ) نوشته شد. به هیچ وجه این سیستم اجرا نشد و نمی شود و ما به جای برنامه محوری - علی رغم قولی که اوایل مسئولیت تان در محضر حضرت آقا داده بودید- مبنی بر اینکه تهیه کننده محوری را تبدیل به برنامه محوری می کنید و این خیلی وعده و قول خوبی بود- انجام نشده.

فقدان اثر هدایتی مراکز پژوهشی سازمان بر برنامه های تولیدی

ما الان ۱۱ مرکز و دفتر پژوهشی در سازمان صدا و سیما داریم. چقدر این مراکز پژوهشی تاثیر هدایتی دارند بر محتوایی که به قول شما سر سفره مردم از آنتن پخش می شود و چقدر وقت دارند و چقدر اهمیت دارند. ما به کرات می شنویم که مدیران این بخش های پژوهشی که ما در فضای دانشگاه با آنها ارتباط داریم می گویند ما نه تنها تاثیر هدایتی نداریم به لحاظ اینکه الان مثلا سه ماه مانده به ماه مبارک می گویند آقا این سریال سوژه اش برزخ است آقای مرکز پژوهش های اسلامی بنشین یک جوری خلاصه مثل آن قضیه سربازی می شود که نماز نمی خواند رفت پیش یک روحانی گفت با پوتین هم می شود نماز بخوانی گفت بله با پوتین هم می شود نماز بخوانی بعد یکی از این مامومین رفت گفت آقا این چی بود شما به او گفتید گفت اگر می گفتم نمی شود با پوتین نماز بخوانی همین نماز را هم نمی خواند اینچنین اتفاقی در این مراکز می افتد و تاثیر هدایتی ندارد و حتی اینها از تاثیر گذاری منع می شوند من باز یک سری مثال برای شما بخوانم همین جدیدا این تجلیلی که از آقای عیاری انجام دادید دیدید که ایشان گفت تا حالا اینچنین اعتمادی در ساختار کشور سابقه نداشته است چون من اصلا این سریال را بدون فیلمنامه و طرح جلو برده ام. من نمی فهمم مدیریت پیام کجاست؟ یا همین آقای سروش صحت. آقای صحت در نقد سریال برره در مرکز تحقیقات صدا و سیما که خیلی جلسه جالبی هم بود می گفت من صبح همین طور خواب آلود می آمدم تا بچه ها را بگیرم می کردند من می نوشتم که امروز قرار است چه بگذرد! حالا سریال برره که خود آقای ضرغامی در جلسات شورای عالی لطف می کردند می گفتند سریال برره را اصلا من سوژه اش را دادم و من گفتم که روی شهرام جزایری کار کنند حالا اینکه چقدر روی شهرام جزایری تاثیر می گذارد و چقدر روی فرهنگ دینی مردم این بماند و آخرین مورد هم سریال بزنگاه که همه اینها منبع دارد. آقای عطاران در مصاحبه با شهروند امروز گفته بود ما همین طور صبح می آمدیم فیلمنامه می نوشتیم و... چون می دانید که ایشان خیلی حال حرف زدن هم نداشت! اینها نشان می دهد که فرایند مدیریت پیام علی رغم همه زحمات خالصانه که انصافا من الان چشم های سرخ آقای ضرغامی را که دیدم احساس کردم ایشان کمبود خواب دارند! و می دانم که در این اشل مدیریتی چقدر آدم باید زحمت بکشد ولی همین اخیرا باز در مورد همین کارتن پت و مت یکی از آخرین قسمت هایش که پخش شده سوژه سریال شراب سازی بوده یا در برنامه به خانه برمی گردیم خانم آشپز داشته چای انگور درست می کرده یک بنده خدایی زنگ می زند شبکه پنج می گوید بابا اینکه شراب است مجری هم گفته آن که حرام است گوشت است! مگر انگور و میوه هم می تواند شراب باشد؟!

یا در سریال های ماه رمضان سال قبل سوژه شما تخریب داماد بود در سه سریال ما دامادهایی داریم که شهادت هستند. آیا مساله اصلی کشور این است؟ مساله ما این است که ما یک آسیب اجتماعی یعنی دامادهای شهادت پیدا کرده ایم یا در سریال های ماه رمضان امسال در سه سریال سوژه معتاد بود آن هم معتاد جذاب. آیا این الان مساله کشور است؟ یعنی سیاست

کشور این است که معتاد جذاب نشان داده بشود؟ من همین امروز سیاست های کلی مجمع را می خواندم که قرار است تصویب بشود و البته قانون هم رویش نوشته اند در قانون مبارزه با مواد مخدر آنجا تاکید کرده که نگاه مجرم انگارانه به معتاد - که من الان کاری به درست و غلطش ندارم - پس یک فرایند هدایتی و یک مغزی که در سطوح مختلف محتواهای مختلف مورد نیاز نظام جمهوری اسلامی را در رسانه ملی ترجمان کند وجود ندارد.

مثال آخرش هم بحث خشونت در سازمان است و همه هم می دانند که نتیجه تحقیقات اثبات کرده از اصلی ترین عوامل ارتقاء خشونت در جوامع در حال مدرن، رسانه هایی هستند که فیلم های خشن پخش می کنند. آخرین سینما یک را ببینید گفته بودند چیزهایی پخش کنید که مردم انتظار دارد شب های جمعه تخمه بشکنند و فیلم های معرفی و معناگرا پخش نکنید.

#### جایگاه خالی مشورت و نقد پذیری در سازمان صدا و سیما

و دومین مساله که بسیار مهم است مساله نقد و رایزنی در سازمان صدا و سیماست. سازمان صدا و سیما آینه تمام نمای تحقق اهداف ملی نظام جمهوری اسلامی ایران است. خودش این وسط عاملیتی ندارد فقط این وسط یک آینه است. به قول آن روایت گره زدن خرد سازمان به خرد جمعی و به خرد نخبگان این عین خردورزی است و عاقل ترین آدم ها کسانی هستند که مشورت می کنند آدم هایی هستند که نقد می شنوند ولی ما الان در فضایی حضور داریم که بزرگترین نخبگان کشور می گویند ما حاضر نیستیم حتی یک مصاحبه بکنیم چه برسد به اینکه برویم در جلسه نقد شرکت کنیم.

الان قبل از جلسه دوستان سازمان تهدید کرده اند که ما جلسه را کنسل می کنیم چون دوربین اجازه داده نشده است من گفتم حاشا و کلا. اصلا نگاه آقای ضرغامی به این جلسه آنوس تبلیغاتی نیست. این یک جلسه معرفی است که ما آمده ایم گفت و گو و بحث کنیم. ببینید تنها جلسه ای در ده سال اخیر رهبری با دانشجویان که صحبت های دانشجویان در حضور رهبری پخش نشد همین جلسه اخیر بود. چرا؟ چون یک خانمی نکات ارزنده ای را در نقد سازمان البته از منظر خودشان بیان کردند و حضرت آقا هم اول تایید کردند و بعد گفتند مسئولین صدا و سیما اقتضائات خودشان را دارند و شما نقد بکنید. آن صحبت ها که پخش نشد و صحبت های آقا به شدت فید شد و می دانید که فید حقیقت در سازمان صدا و سیما تکنیک های مختلفی دارد و در بخش خبری هشت صبح فردا اساسا این بخش صحبت آقا حذف شد بروید بیاورید چون من می دانم که معاونت صدا تمام خبرها را ضبط می کند و احتمالا الان روی سایت هم باشد.

#### از اثر سنجی تا تماشاسنجی

سازمان صدا و سیما بزرگترین کار تحقیقاتی اش تا چندماه پیش رضایت سنجی بود و گزارش هایی که از مرکز تحقیقات به من می رسد اخیرا دیگر رضایت سنجی هم نیست اخیرا شده تماشاسنجی. یعنی آمار داده اند آمار تماشای برنامه های صدا و سیما. در حالی که تماشاسنجی که هیچ، رضایت سنجی هم هیچ، هدف رسانه ملی جمهوری اسلامی ایران باید اثر سنجی باشد. چقدر سریال بزنگاه توسعه دین داری داد؟ چقدر بندگی خدا تسهیل شد؟ حتی با پخش آنونس های تبلیغاتی و آنونس هایی از مراجع عظام تقلید. این مساله باید بررسی بشود. به نظر من اصلی ترین مساله در سازمان تهیه کننده محوری است و چون من با افراد بسیاری در زمینه این اقدامی که اخیرا در سازمان صدا و سیما انجام شد بعد از ماه رمضان صحبت کردم می گفتند ما به این نتیجه رسیده ایم که عالم و دنیا مخالفت بکنند با یک مقوله ای در رسانه ملی آب از آب تکان نمی خورد. چرا؟ چون در همین قضیه اخیر ماه رمضان سازمان تا آخرین لحظه مقاومت کرد و هنوز هم مقاومت می کند که هیچ سوء مدیریتی اتفاق نیافتاده است. قطعاً شما راضی نیستید که فرزندان خودتان آثار سوء از این محتوایی که تولید و پخش می

شود بگیرند و قطعاً شما از بدنه مومن مدیریت کشور هستید ولی توجه داشته باشید که مدیریت پیام و مدیریت رسانه یک امر بسیار پیچیده است و آدم خودش را می‌خواهد، تخصص خودش را می‌خواهد والسلام.

متن صحبت های آقای سعید خورشیدی:

واقع آن است آنقدر که پابرهنه ها به رادیو تلویزیون حق دارند ما نداریم. این یک واقعیت است و تعارف نیست. واقع این است که آنها این نظام را درست کردند و این نهضت را به وجود آوردند. همین جمعیت هستند که پیروزی ها را به دست آوردند و از قشر بالا کسی در این مساله حقی ندارد. امام خمینی (رض)

رسانه انقلاب اسلامی!؟

اگر صلاح بدانید من با این سوال شروع می‌کنم که صدا و سیما ما امروز چقدر رسانه انقلاب اسلامی است؟ برای پاسخ به این سوال فکر می‌کنم قبلش باید تکلیف خودمان را با واژه انقلاب اسلامی و تلقی مان از آن و به تبع آن ظرفیت هایی که با آن تعریف امروز حاصل می‌شود، روشن کنیم تا بتوانیم به این سوال یک پاسخ شایسته بدهیم.

مطابق تعریفی که حضرت امام از انقلاب ارائه می‌کنند انقلاب اسلامی قیامی بود علیه ظلم و تحجر و تلاشی بود برای جایگزینی اسلام پابرهنگان، اسلام فقرای دردمند، اسلام ائمه هدا با اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه داری، اسلام مقدس نما ها و متحجرین. صدا و سیما اگر امروز ادعای دینی بودن و انقلابی بودن دارد شاخصه هایی که این ادعا را محک می‌زند این تعاریف و این مسائل خواهد بود که من سعی می‌کنم به بعضی از آنها اشاره ای بکنم:

فروکاستن دین به اخلاقیات فردی

شخصاً معتقدم مهمترین شاخصه ای که حضرت امام بیان کردند جامعیت آن بود امام چه شخصاً به عنوان یک الگوی فردی و چه در عرصه معمار انقلاب و نظام بودن به صورت جامع به دین نگاه می‌کردند. در عین حال که به جزئی ترین مستحبات فردی و اقدامات شخصی اخلاقی متعبد بودند دغدغه اجتماع و سیاست عمومی کشور را هم داشتند اما متأسفانه امروز رویکرد کلی (من خیلی در عرصه نوشته جات و برنامه ها سخن نمی‌گویم) به عنوان یک ناظر بیرونی که مخاطب صدا و سیما هستم و برنامه های آن را می‌بینم سخن می‌گویم، صدا و سیما دین را به عرصه فردی و اخلاقیات فردی و حوزه شخصی فروکاسته. آن تجلی عمومی دین که دین قرار بود عرصه مناسبات اجتماعی ما را سامان بدهد و بر اساس آن قیام به قسطی در جامعه رخ بدهد احساس می‌شود که دغدغه صدا و سیما نیست. در نگاهی که امام داشتند عارف و سالک مسیر حق امکان ندارد به قرب الهی برسد مگر آنکه در جامعه و در عرصه سیاست با طاغوت های زمان خودش چالش بکند. من فکر می‌کنم الگوی دینی مطلوبی که از برخی از این سریال های مذهبی که با این نام از صدا و سیما پخش می‌شود بیشتر ربیع ابن خثیم و ابوموسی اشعری باشد تا حضرت امیر. یک کاریکاتوری از دین در صدا و سیما عرضه می‌شود.

رسوخ نگاه سکولاریستی در سازمان

اساساً این تقسیم بندی سریال مذهبی و سریال های دیگر، اخبارهای مذهبی و اخبار دیگر حاکی از یک نگاه سکولار است که در صدا و سیما رسوخ کرده. اخبار دینی یعنی اخباری که به جلسات قرآن بپردازد با آن نگاهی که این اخباری است که ارزش های دینی در آن متجلی است. نه اینکه مثلاً خبر کوچ چندمین دسته پرندهگان فلان جا را هم پخش می‌کند ولی فلان اتفاقی که در منطقه محروم می‌افتد سانسور می‌شود و پخش نمی‌شود.

عدم توازن میان بخش های دارای اولویت

نکته بعدی در کنار جامعیت، بحث ضرایب و توازن بین بخش هاست. تعبیری که در کاریکاتور به کار می برند این است که چهره فرد را می کشند ولی مثلاً بینی او را بزرگ و کوچک می کنند. بخش ها همان بخش هاست ولی تناسب به هم خورده است. در بخشی از نگاه دینی که در صدا و سیما حاکم است این وجود دارد که در عین حالی که می گویند ما به فلان بخش دین هم پرداختیم ولی مهم این است که آن ضریبی که در اسلام ناب حضرت امام و حضرت آقا بیان می شود، انعکاس پیدا نکرده است. بله مثلاً در یک حاشیه ای، در یک برنامه ای یک جایی به این مولفه هم پرداخته شده ولی با آن ضریبی که باید مطرح می شده مطرح نشده است.

این را هم عرض کنم که امروز چون اسم این صدا و سیما، صدا و سیمای جمهوری اسلامی است، مخاطب ما و نسل سوم و چهارم انقلاب اسلامی از مواجهه با کلیت این صدا و سیما یک برداشتی از دین و یک برداشتی از انقلاب کسب می کند. مخاطب جوان شبکه سوم ما وقتی که n تا برنامه فوتبالی دسته چندی انگلیس و اسپانیا و... را می بیند این تلقی در او ایجاد می شود که اینها از خیلی موضوعاتی که صدا و سیما به آنها نمی پردازد اهمیتش در نگاه انقلاب اسلامی بالاتر است چرا که این صدا و سیما رسانه انقلاب است. ما اگر خیلی دغدغه مند این هستیم که تلقی درستی به نسل بعدی ما انعکاس پیدا کند باید حواسمان به اینجا هم باشد.

#### معنویت عقلانی نه قشری و ریاکارانه

تعبیر دیگری که مقام معظم رهبری در تعریف اسلام ناب داشتند سه ضلعی معنویت، عقلانیت و عدالت است. ایشان می فرمایند معنویت که ما از او سخن می گوئیم کاملاً عقلانی است. در دیدار با صدا و سیما هم نکته ای که ایشان فرمودند این بود که من بر ترویج درک روشن بینانه از دین تاکید دارم و گفتند روی این روشن بینانه اش هم تاکید دارم نه قشری و متحجرانه. در تعریفی که حضرت آقا از هنر دینی دارند می فرمایند که هنر دینی هنری نیست که یک مناسک دینی و قشری گرای دینی را ترویج کند می تواند یک هنر به آرمان های دینی مثل عدالت و آزادی بپردازد ولی حتی یک صحنه مثلاً نماز هم نشان ندهد و من این را مقایسه می کنم با گفتار یکی از مسئولین صدا و سیما در چند سال پیش که می گفت در آمار کار دینی ما در صدا و سیما ما چند هزار دقیقه صحنه نماز در تلویزیون نشان دادیم.

#### پیام های متعارض در صدا و سیما

ویک نکته دیگر که باز آقا در دیدارشان با صدا و سیما فرمودند اینکه پیام های متعارض در صدا و سیما دیده می شود. در همین مقوله مثلاً از یک طرف صدا و سیما در سریال های مذهبی و معناگرایش یک تلقی سطحی و عوامانه از دین ترویج می کند و بعد از آن طرف با یک سری میزگردهایی که یک سری کارشناس هایی صحبت می کنند اصرار می کند که نگاهتان عقلانی باشد و سراغ خرافات نروید. یعنی با بیان هنری و دراماتیک یک چیزهای دیگری می گوید و مخاطب آن بیان هنری هم مطمئناً آن مخاطبی نیست که پای بیان خشک نظری کارشناسی می نشیند.

#### اقتشار فاقد تربیون در نظام اسلامی

بحث آخر هم بحث عدالت است. مطابق آن اسلامی که حضرت امام و حضرت آقا به ما آموختند نتیجه تحقق دین در جامعه استقرار عدل و قسط است و صدا و سیما به همان نسبتی که دینی تر می شود باید بیشتر از پیش تبدیل به تربیون مستضعفین و پابرهنگان جامعه بشود امروز واقعاً جزو اقتشاری که واقعاً هیچ تربیونی در جمهوری اسلامی ندارند کسانی هستند که از سطوح درآمدی پایین تر و زیر خط فقر هستند و این را می شود با آمارهایی که خود مسئولین می دهند اثبات کرد که خیلی از اینها تربیون رسمی ندارند که مسائل خودشان را بیان کنند و به همین نسبتی که صدا و سیما دینی تر می

شود باید مردمی تر بشود به این معنا که چالش های اجتماعی و عمومی مردم را به صحنه بکشاند نه چندتا چالش و مساله یک طبقه و قشر خاص از جامعه را.

حضرت امام اساسی ترین جنگ و چالش نیروهای انقلابی را چالش فقر و غنا می دانند. مقام معظم رهبری جنگ بی امان با فقر و تبعیض را رسالت فعلی نظام می دانند مخاطبی که پای برنامه های صدا و سیما می نشیند بعید می دانم اینچنین تلقی ای پیدا بکند که این رسانه کشوری است که جنگ بی امان با فقر و فساد و تبعیض اولویت اول اوست. او اگر بنشیند پای تلویزیون می گوید چالش قرمز و آبی و درگیری های ورزشی چالش های اصلی جامعه است.

ساخت ۹۰ انقلابی در عرصه فرهنگ و سیاست

من برای اینکه خیلی عینی از آقای ضرغامی یک درخواستی داشته باشیم این باشد که به ما یک فرصتی بدهید که یک ۹۰ انقلابی در عرصه فرهنگ و سیاست بسازیم. الان در برنامه ۹۰ خیلی راحت برخی اصول اخلاقی سر بحث های سخیف ورزشی زیر پا گذاشته می شود. شما به بچه های انقلاب این اجازه را بدهید که بدون اینکه از مرز های اخلاقی و انقلابی بگذرند مدیریت فرهنگی کشور را که میلیاردی پول این طرف و آن طرف می کند را بر اساس اصول انقلاب نقد کند. مسائل اقتصادی و سیاسی هم همین طور.

فراموشی مزیت نسبی سازمان در رقابت با سایر رسانه ها

و نکته آخر هم ناظر به صحبتی که آقای ضرغامی درباره رقابت با رسانه های دیگر فرمودند بنده در همان اندازه که با ادبیات مدیریت آشنا هستم معتقدم اگر مدیری در سازمان صدا و سیما بخواهد دقیق کار بکند اصلی ترین مزیت رقابتی صدا و سیمای ما تعلق او به تفکر انقلابی است و اگر می خواهد رقابتی هم صورت بگیرد با رسانه های دیگر این رقابت در نشان دادن سریال های آنچنانی یا جذابیت های آنچنانی رخ نخواهد داد و زمانی خواهد بود که ما بتوانیم بر اساس مزیت رقابتی خودمان که تفکر ماست و خودمان خیلی متوجه نیستیم ولی در دنیا حرفمان صدا کرده، عمل کنیم. حضرت آقا هم در دیدار با صدا و سیما مثال آن کلیسایی را زدند که اگر شما دعوت به سالن رقص کنار کلیسا کردید تفاوتی نمی کند که مردم در این سالن رقص بیایند یا یک سالن رقص دیگر بروند. من احساسم این است که با این توجیه خیلی از اهمال کاری ها در سازمان دارد پوشیده می شود.

متن صحبت های حجت الاسلام آقای علی جعفری:

مهم آن چیزی است که بخش می شود

من یک نقل قولی از حضرت آقا بگویم. البته این را یکی از مدیران برجسته صدا و سیما سر کلاس دانشکده صدا و سیما برای ما تعریف کردند و البته شما از آقا پیرسید که این را فرمودند یانه که آقای لاریجانی اواخر دوران ریاستشان می روند خدمت آقا که مد است در صدا و سیما که خیلی گزارش های خوبی ارائه می کنند که مثلا ما انقدر نیروی انسانی جذب کردیم انقدر برنامه ساختیم، در جنگ رسانه ای وارد شدیم و خلاصه کار را به دست گرفته ایم. گزارش های مفصل در صدا و سیما رسم است و شما هم ماشاءالله از ایشان به میراث برده اید و دستتان پر است همیشه! و بعد آقا نقل به مضمون می فرمایند آقای لاریجانی من شما را می شناسم، شما متدین هستید، دوست دارید در راستای انقلاب کار کنید ولی این گزارش ها خیلی مهم نیست مهم آن چیزی است که در تصویر بخش می شود. یعنی آن چیزی که ما شب می رویم خانه و شما تشریف می برید منزل یا مثل آقای لاریجانی اگر در ماشینتان تلویزیون داشته باشید، نگاه می کنید یا می شنوید آن مهم است و اگر آن درست



نشود انگار کاری صورت نگرفته لذا بچه هایی که تا الان صحبت کرده اند همه نگاهشان به فرآیند سازمان است. این مقدمه اول است.

#### اشکال در فرآیند مدیریت و سازمان دهی

نکته دوم اینکه اگر ما به فرآیند سازمان اشکال می کنیم نه اینکه در سازمان کار خوب نمی شود بلکه کارها مبتنی بر یک فرآیند صحیح نیست یعنی ممکن است یک آدمی فرآیند درس خواندنش منظم نیست ولی ممکن است در یک درسی نمره خوبی هم بگیرد و این به این معنا نیست که او درس خوان است. صدا و سیما هم از نظر فرآیند مدیریت و سازمان دهی اشکال دارد و به نظر می رسد در دوره شما هم این اشکالات در حوزه ساختار سازمان بهبود نیافته و من نمونه هایی را اشاره خواهم کرد. بنابراین ما منکر کارهای خوب در سازمان نیستیم. مثلاً پخش مستند که شما می فرمایید اگر تصاویر آرشیوی را پخش می کنید این که کاری ندارد شما تا دیروز اجازه نمی دادید آرشیو را پخش کنید از امروز می گوید که پخش کنید! این که برنامه سازی نیست لذا کار خوبی است ولی مبتنی بر یک فرآیند نیست. تا دیروز یک نفر بوده می گفته پخش نکنید از امروز می گوید پخش کنید. این پخش و ضبط چیز خیلی عجیب و غریبی نیست که انقدر ما روی آن مانور بدهیم. تصمیم ارزشمندی است ولی ربطی به فرآیند برنامه سازی و تولید و پخش در سازمان ندارد.

حالا من نمونه هایی را خدمت شما عرض می کنم که اگر فرآیند درست نباشد شما خیلی هم وارد بشوید اگر دغدغه هم داشته باشید فضا را پیچیده تر می کنید. یعنی کار خراب تر می شود و باید فرآیند های سازمان درست بشود.

#### دانشکده صدا و سیما، تبعیدگاه مدیران سازمان!

الان صدا و سیما یک دانشکده ای دارد به نام دانشکده صدا و سیما که از قبل از انقلاب بوده و به تعبیر مقام معظم رهبری دانشکده صدا و سیما قلب تپنده یا نبض سازمان است هروقت می خواهید وضعیت سازمان صدا و سیما را ببینید نبضش را بگیرید. بنده به عنوان کسی که در دانشکده صدا و سیما درس خواندم و بالاترین نمره پایان نامه تاریخ دانشکده صدا و سیما را هم گرفته ام یعنی بچه تنبل هم نبوده ام که بخواهم نق بزنم اینجا عرض می کنم که دانشکده صدا و سیما تبعیدگاه مدیران سازمان است و هروقت می خواهند یک مدیری را از یک قسمتی بردارند و با او تعارف دارند می گویند آقا شما بفرمایید آنجا کار علمی کنید بنیان های سازمان آنجا گذاشته می شود! نمونه اش مدیر کنونی دانشکده صدا و سیماست که دکترای فلسفه علم است و در دانشگاه شریف عضو هیئت علمی است و رئیس دانشکده صدا و سیما هم هست از رادیو می خواستند ایشان را بردارند گفتند آقا شما بفرمایید در دانشکده صدا و سیما در خدمتتان هستیم! و مدیران قبلی دانشکده هم همین طور بوده. دانشکده صدا و سیما که گروه ارتباطات آن تا آن زمان که ما آنجا درس می خواندیم یک دکتری ارتباطات نداشت دانشکده صدا و سیمایی که محل زست گرفتن های علمی مدیران صدا و سیماست و می آیند آنجا حرف هایی را که در تلویزیون دیگر فرصت نیست بزنند در طول ۲۴ ساعت می آیند آنجا هم دانشجویان در خدمتشان هستند دانشکده صدا و سیمایی که وضعیت فرهنگی اش جزو معدود دانشکده های جمهوری اسلامی است که بوفه اش مختلط است دانشکده صدا و سیمایی که بیشتر شبیه اداره است تا دانشکده و خروجی آن را نگاه کنید. خروجی دانشکده صدا و سیما پایان نامه های دانشکده صدا و سیماست. بروید ببینید به کدام پایان نامه دانشکده صدا و سیما در صدا و سیما واقعی نهادند و خودشان رویشان شد که به آن استناد کنند و بر مبنای آن یک کاری صورت بدهند. و شعبه قم دانشکده صدا و سیما که اساتید متردد بین تهران و قم که در حقیقت در تهران لذت می برند و در قم هم می خواهند ببینند طلبه ها چطور هستند! و می خواستند هفته ای یک بار بروند زیارت! و آنجا هم طلاب در خدمتشان بودند! نتیجه ده سال دانشکده صدا و سیما ببینید چه کسی درآمد از آن؟ بروید ببینید چه بر سر طلبه ها آمده؟ روحانیت هم که الحمدلله در خدمت سازمان هست!

اینها بروند آنها بیایند!

در جمهوری اسلامی دیگر همه سازمان ها فهمیدند که اگر پژوهش و تحقیق در یک سازمان می خواهد سامانی بگیرد باید برود زیر نظر وزارت علوم و یک دیسیپلینی پیدا بکند و هر کسی هر طوری خواست آنجا کارهایی به نام تحقیق و پژوهش انجام ندهد اما در مرکز تحقیقات صدا و سیما هر مدیری آمده یک بار ساختار عوض کرده که آقا اینها نمی شود. اینها بروند آنها بیایند. روسای گروهشان هیچ کدام عضو سازمان نیستند. روسای گروهشان همه از این طرف و آن طرف هستند. سالی یک بار هم عوض می شوند! گروه دین امروز باشد فردا منحل شود. به مرکز تحقیقات صدا و سیما بگوئید لیست گزاره های علمی که به آن رسیدید برای اداره و تحول در سازمان، بیست تا گزاره ای که شما گفتید و کس دیگری نگفته بود، به ما ارائه کنید تا ما ببینیم دستاورد شما چه بوده است؟

ادامه نظرسنجی ها، چرا؟!!

مرکز تحقیقات یا به کار نظر سنجی است و الحمدلله در همه نظرسنجی ها هم مردم ۹۰ درصد به بالا راضی اند! من نمی دانم دیگر چرا ادامه می دهید این نظرسنجی ها را! خوب همه راضی هستند دیگر! شما یک نظرسنجی پیدا نمی کنید که کمتر از ۹۰ درصد دیده باشند و ۹۵ درصد هم راضی نباشند! دیگر این چه نظرسنجی است؟

آقای ضرغامی ما اینجا می گوئیم و می خندیم و می رویم ولی اگر فرایند های سازمان اصلاح نشود و مدیریت علمی بر سازمان صدا و سیما حاکم نشود و بنیان مدیریت سیاسی که از قدیم در صدا و سیما گذاشته شد - یک زمانی دوم خرداد آمد یک عده ای از کار بیکار شدند، رفتند در صدا و سیما! بعد یک عده ای آمدند سرکار دوم خردادی ها بیکار شدند آنها هم رفتند در صدا و سیما!- تا وقتی که این رویه علمی در آنجا حاکم نباشد و پاسخگویی علمی وجود نداشته باشد شما هرچقدر در عرصه های ارزشمندتری وارد می شوید بیشتر خراب می کنید و نمونه هایش را عرض می کنم.

تقلیل چادر به شنل

ببینید به خاطر نگاه مهندسی و عدم نگاه فرهنگی - البته منظور نقد آن مهندسی فرهنگی که رهبری فرمودند نیست، آن یک ساز و کار کلان در مورد ارتباط سازمان ها و مراکز فرهنگی سراسر کشور است که اینها ساز و کاری پیدا کند نه ناظر به مهندس همان طور که ماشین را مهندسی می کنیم آدم ها را هم مهندسی کنیم. بنده این را نقد می کنم به خاطر این نگاه مثلا صدا و سیما از ده سال پیش حجاب را می خواست تبلیغ کند. خوب در سریال ها خانم های چادری همه شان کلفت و بیکار بودند، چادر سر خانم ها کنید! این سیاست ها پیچیده است! خوب شما چادر سر خانم ها کردید. الان نگاه کنید چادر تغییر پیدا کرده به شنل و شنل هم حجاب نیست و در برهنه ترین فرهنگ ها هم شنل داریم. پس صدا و سیما دارد شنل را تبلیغ می کند.

تقلیل روحانیت به مددکار اجتماعی

دوم شما که می گوئید ما با روحانیت در ارتباط هستیم، روحانیت را در بسیاری از سریال های مناسبی تقلیل داده اید به مددکار اجتماعی، ژاندارم های روحانی. نه منبری، نه محرابی، نه نمازی، نه احکام شرعی. من در یکی از اینها دیدم روحانی، عمامه اش را برعکس گذاشته بود! آیه قرآنی که دیگر بچه دبستانی های ما یاد گرفته اند آیه قرآن را هم اشتباه خواند کاش آن موقع من این را ضبط کرده بودم. از آن طرف صدا و سیما با آیت الله مکارم شیرازی به عنوان مرجعی که خدمات شایسته ای کرده تجلیل می کند و با مراجع ارتباط دارد. من نمی دانم این حجت الاسلام گلی که در صدا و سیما دارد مشاوره کارهای شما را می دهد این آدم کیست؟ نه روحانیت او را می شناسد نه در دانشگاه امام صادق که آقایان با روحانیت ارتباط دارند او



را می شناسند شاید شما خودتان هم او را نمی شناسید! بابا روحانیت یک حساب و کتابی دارد. روحانی باید آیه قرآن را درست بخواند احکام بلد باشد. وقتی با نامحرم صحبت می کند سرش پایین باشد نه اینکه چهارچشمی نگاه بکند! و موارد متعددی از این دست وجود دارد و من این را هشدار می دهم حالا شما اینها را توجیه می کنید و می روید ولی بعدا خدا می داند چه می شود.

#### تامل در پخش مستندها

یا مثلا این مستندهایی را که شروع کرده اید پخش می کنید یک قدری با تامل بیشتر چون اینطور که شما شروع کرده اید و تا دیروز پخش نمی شد و الان بی محابا دارید پخش می کنید و آسیبش هم این می تواند باشد که لوث می شود، شما شب نشسته اید دارد آگهی پخش می کند یک دفعه جبهه می آید و رزمنده ها و... بابا یک کمی با تامل. وقتی کار خوب بر اساس فرایند مدیریتی درست صورت نمی گیرد کار خوب است ولی چون فلسفه ای پشت آن وجود ندارد به ضد آن تبدیل می شود.

تورا به خدا برای انقلاب سریال نسازید!

صحبت آخرم هم در مورد سریال های مناسبی تورا به خدا برای انقلاب سریال نسازید! چون اولاً تم سریال های شما همه اش عشق و عاشقی است و هرچه سریال خوب برای انقلاب اسلامی ساخته اید رابطه دو تا جوان است که می خواهند به هم برسند و یکی دختر است، یکی پسر است! پنج سال بعد این جوان ها می گویند عجب انقلابی بوده! هیچ هزینه ای هم نداده، عشق و عاشقی هم بوده و امام هم آمده و... خلاصه اینها به ذهنیت مردم آسیب می زند.

خدا می داند امسال در سریال ها چه می خواهند نشان بدهند. شما هولوکاست را که در آن سریال کردید ارتباط عاشقانه یک مسیحی و یک یهودی و آخر فیلم هم بدون اینکه عقد بخوانند رفتند تو بغل هم!

تصمیمات خلق الساعه خیلی خوب است! ولی هیچ وقت جای فرایند های مدیریتی را نمی گیرد. فرایندها هم تا درست نشود آن چیزی که از تصویر پخش می شود و مطالبه مقام معظم رهبری هم بود آن اصلاح نمی شود و این جلسات را ما می گذاریم و هیچ تغییری هم ایجاد نمی شود.

صحبت های آقای مهدی نیکجو:

موسیقی، مقوله مبهم

آقای ضرغامی من تمام بحث هایم حول مسئله ی موسیقی را تحت سه عنوان گنجاندم یکی بحث فقهی مسئله ی موسیقی است یکی هم بحث های فنی است که خود به دو شاخه تقسیم می شود آقای ضرغامی شما با یک مسئله اساسی و نه تنها شما بلکه همه ی آن هایی که با مسئله ی موسیقی سرو کار دارند مثل وزارت فرهنگ یا حوزه هنری و سازمان تبلیغات، که فکر می کنم این مشکل از یک جهاتی خیلی هم ربطی به شما نداشته باشد آن است که به قول مقام معظم رهبری موسیقی یک مقوله مبهم شده است. و این باعث شده است که یک سری بی ضابطگی ها و تعارضات و پارادوکس هایی که در سازمان مخصوصا در رادیو پیش آمده که این به مبهم بودن قضیه فقهی موسیقی بازمی گردد.

من می خواهم هم نگاه انتقادی داشته باشم و هم پیشنهاد ها و راهکارهای خودم را ارائه بدهم. البته من نمی گویم کاری از سوی سازمان صورت نگرفته، بالاخره پژوهشگاه قم دارد کار می کند، تهران دارد کار می کند ولی این اصلا جدی نیست. چرا؟ چون جواب نهایی که مسئولان سازمان در این رابطه می دهند این است که ما در قضیه موسیقی هنوز با امر مبهمی روبرو هستیم و اگر کار شده پس این پاسخ ها چه هست؟

## لزوم لجنه ای کردن بحث موسیقی

من به نظرم شما یک کار جدی که باید انجام بدهید و جدی تر پیگیری بکنید بحث لجنه ای کردن این مسئله است. نگاه بکنید الان یک مشکل جدی که وجود دارد این است که اساتید بزرگ موسیقی از صدا و سیما به شدت دور هستند من با آن ها در ارتباط هستم و در کلاس های گروه موسیقی دانشکده هنر شرکت می کنم. هم بزرگان موسیقی و هم فقها از این قضیه کنار هستند و هیچ کدام دیگری را قبول ندارد. حالا من یک مزاحی هم بکنم. من با چند تا از بچه های گروه موسیقی دانشکده هنر دارم کار می کنم به یکی از دوستان همین امروز ظهر که گفتم آقای ضرغامی می خواهد بیاید دانشگاه ما با توجه به این فضای کدوری که در این بین هست می گفت آقای نیکجو ما با شما رفیقیم و با هم کار می کنیم ولی انصافا من هنوز شما را به عنوان یک رفیق صمیمی نمی شناسم و من هنوز شما را نماینده دشمن می بینم که آمده در خاکریز ما تا با هم کار بکنیم.

حالا فایده این لجنه ای شدن چیست؟ اول اینکه کم فاصله بین فقها و موسیقی دان ها کم می شود. امروز یکی از اساتید دانشکده هنر می گفت اصل بر اینکه من بد هستم و موسیقی خیلی بد است و ما را به عنوان یک چهره فاسق و فاجر می شناسند مگر خلاف آن ثابت بشود و این در هنر های دیگر کمتر است و با لجنه ای شدن این فضا شکسته می شود.

دیگر اینکه با ضابطه های کلی مثل غنا حرام است، موسیقی لهوی حرام است چیزی روشن نمی شود. مثل اینکه در مورد پول هایی که از بانک می گیرید فقیه بگوید اگر منتهی به عقود اسلامی بشود صحیح است والا فلا. این چیزی را روشن نمی کند.

پس این لجنه ای شدن که شهید مطهری به آن اشاره کرده اند و حضرت آقا هم در دانشگاه شهید بهشتی در دوران ریاست جمهوری شان درباره آن صحبت کردند خیلی از مشکلات را حل می کند. من خودم یک کاری که کردم ردیف های گوشه های ایرانی را نوشته ام بعد تبیین کرده ام که در چهارگاه خیلی کلام مهم است لذا اگر کلام سخیف در آن به کار رود همان می شود که فقها می گویند موسیقی لهوی. وقتی من می روم با فلان آقای آهنگ ساز صحبت می کنم می گوید شما به من بگو من چه بخوانم؟ چه بزنم؟ اینکه شما بگویید موسیقی لهوی که این روشن نیست.

چرا رهبری باید بگوید پخش موسیقی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی دلیل بر حلیت آن نیست!؟

نکته بعد که یک انتقاد جدی است آقای ضرغامی اینکه مقام معظم رهبری و خیلی از مراجع تقلید بیایند بگویند قطعا پخش موسیقی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران دلیل بر حلیت آن نیست. چرا باید اینطور بگویند؟ اگر ما آمده بودیم دقیق کار می کردیم و ضابطه ای داده بودیم واقعا مقام معظم رهبری با آرامش خاطر به شما اطمینان می کرد که آقا اینها دارند کار می کنند، فقیه نشسته آنجا موسیقی دان نشسته. و وقتی یک موسیقی از فیلتر صدا و سیما بیرون می آید قطعا دیگر مشکلی ندارد نه اینکه مقام معظم رهبری بگوید پخش موسیقی دلیل بر حلیت نیست. این یک نقطه ضعف است.

آقای ضرغامی شما به یک پارادوکس خورده اید. از یک طرف می آید چهره ماندگار برگزار می کنید و مثلا از آقای دکتر پورتراب تقدیر می کنید که این خوب است و از آن طرف جایگاه و موقعیت و موضوع موسیقی در سازمان صدا و سیما روشن نیست که بالاخره چی؟

موسیقی، ابزار پرکردن فواصل برنامه ها

شما موسیقی را در صدا و سیما گذاشته اید برای پر کردن خلاهای بین برنامه ها. مثلا ساعت ۲ تا ۲:۳۰ اخبار است و ۲:۴۵ یک فیلم داریم و حالا این یک ربع را موسیقی بگذاریم و همین را هم بدون ضابطه انجام می دهید. می آید تازی را که استاد جلیل شهناز در گوشه های دقیق ایرانی زده پخش می کنید و عجیب است که اصلا دقت هم نمی کنید که این بیست دقیقه

طول می کشد نه یک ربع و بعد سر یک ربع قطع می شود. یک برنامه ای بود در صدا و سیما که من دنبال می کردم می آمد بیات اصفهان را پخش می کرد و گوشه هایش را می گفت و استاد محمودی خوانساری هم می خواند و بعد وسط این هم تبلیغ پخش می کردند! می دانید این چه را می رساند؟ اینکه اصلا نگاه عالمانه به موسیقی وجود ندارد.

البته من نمی گویم کاری نشده. انصافا از موقعی که آقای ضرغامی ریاست سازمان را به دست گرفته اند وضعیت موسیقی در تلویزیون بهتر شده ولی در رادیو ساعت ۷ صبح که برای صبحانه بلند می شویم انصافا خیلی بد است و باید جدی با آن برخورد شود و انقدر وضعیتش پایین بوده من دیگر به دید نقادانه هم به آن نگاه نمی کنم.

یک بحث دیگر اینکه شما با چه ضابطه ای صدای آقای شجریان را پخش می کنید بعد آقای عصار را پخش می کنید بعد هنوز زمان هست دیگر چه پخش کنیم؟ صدای ر.ن. پخش می شود که من نمی دانم اصلا چه بگویم؟

موسیقی فاخر، نه موسیقی لس آنجلسی

نکته آخر هم اینکه شما همه صحبت های مقام معظم رهبری را درباره موسیقی بخوانید ایشان به شدت روی موسیقی فاخر تاکید دارند و وقتی من اینجا می گویم موسیقی که نمی خواهم موسیقی لس آنجلسی تبلیغ شود نه اصلا منظورم این نیست. موسیقی که مدنظر مقام معظم رهبری است موسیقی که صدای عدالت داشته باشد، موسیقی که به قول حضرت امام جنگ فقر و غنا را برساند. و الان شما به هیچ عنوان هیچ ضابطه ای در صدا و سیما راجع به این قضیه ندارید.

متن صحبت های آقای علیرضا خدابخشی:

صدا و سیما در جهت حاکمیت گفتمان رهبری در کشور کار نمی کند

من از چیزی تعبیر می کنم به اسم حاکمیت گفتمان رهبری در کشور که من معتقدم طبق قانون اساسی در کشور ما حاکمیت باید از آن گفتمان رهبری باشد و صدا و سیما به عنوان نهادی که مستقیما زیر نظر رهبری کار می کند و به قوای دیگر خیلی ربطی ندارد و مسئولش هم مستقیما توسط خود ایشان منصوب می شود باید تلاشش حاکمیت گفتمان رهبری در کشور باشد. من در این با شما بحث دارم که معتقدم صدا و سیما ما در جهت حاکمیت گفتمان رهبری در کشور کار نمی کند. مثلا می گویم گفتمان حوزه اقتصاد الان اصل ۴۴ است و صدا و سیماست که طبق اصل مطالبه و پاسخگویی مسئولین - که ما یک سالی را هم به اسمش نامگذاری کردیم که فرهنگ سازی بشود ولی این فرهنگ در صدا و سیما جاری نشد - باید از اینها سوال بپرسد. در حیطه فرهنگ مثلا اگر ایشان فرمودند باید کرسی های مناظره باید تشکیل بشود و گفتند آزاد اندیشی دینی باید راه بیفتد اینها را باید مسئولین حوزوی و دانشگاهی ما پاسخگو باشند که چقدر در راستای آن حرکت کردند.

عریضی که بنده خدمتان تقدیم می کنم چون اسم آزادی و اینها پیش می آید باید تاکید کنم که من نه یک روشنفکر نه یک اصلاح طلب دوم خردادی هستم و نه از گروه های اصولگرا. نه، من به عنوان یک حزب الهی دارم اینجا صحبت می کنم که معتقدم طبق همین ادعا که باید حاکمیت گفتمان رهبری باشد باید هر چه که ایشان فرمودند سر همان بحث کنیم و مناط و معیار همان باشد.

پدیده خودمعظم پنداری!

بینید من از طرف دیگر حرف هایم تنوریک نیست. به سابقه ای که شما در صدا و سیما تشریف آوردید بنده هم بخش خبر معاونت سیاسی مشغول به کار بودم و بحث اصلی من هم حاکمیت گفتمان رهبری در کشور است. ما با یک پدیده ای در کشور مواجه هستیم با نام " خود معظم پنداری!" بخش زیادی از مسئولین کشور همه را نمی گویم از جمله خود آقای

ضرغامی بعضی وقت ها یک احساسی به آنها دست می دهد که رهبر کشور هستند و قرار نیست آنچه که رهبری دستور داده اند اجرا بشود و دیگران هم می توانند موازی گفتمان هایی که ایشان در حیطه های مختلف تعیین می کند، چیزهایی را مشخص بکنند.

برای نمونه رئیس قوه قضائیه در شرایطی که رهبر معظم انقلاب بحث ثروت های بادآورده و مفساد اقتصادی را مطرح کردند و راهکارشان را هم ارائه دادند در مقام یک ایدئولوگ و به صورت موازی بحث امنیت سرمایه گذاری را مطرح می کنند در حالی که امنیت سرمایه گذاری گفتمان رهبری نبوده است. بله البته امنیت سرمایه گذاری واجب است و در پیام ۸ ماده ای هم یک گوشه ای به آن اشاره شده ولی نه اینکه اصل بحث مبارزه و اصل ۴۴ را تحت الشعاع قرار بدهد. پس صدا و سیما به جای آنکه سخنرانی های آیت الله هاشمی شاهرودی را با کوبین نفر دوم و سوم در اخبار پخش کند جا دارد که سوال هم بکند که این تعارضش با این صحبت ها چیست؟ ایشان تاکیدشان بر این مسائل نبوده و شما از کجا این تاکید را پیدا کرده اید؟

یا نمونه ای دیگر رهبر انقلاب حدود ۷-۸ سال پیش بحث کاهش تعطیلات رسمی را در کشور مطرح کردند و در مجلس یک عده از نماینده ها مشغول فعالیت شدند و آمدند طرحی را بنویسند و به طور طبیعی از یک جاهایی مخالفت شد و عیبی هم ندارد اما در مجلس آقای حداد عادل با آن روحیه مدارایی که با همه شخصیت ها و گروه ها دارند، شخصا تصمیم گرفتند این بحث از دستور کار خارج بشود. یعنی رهبر انقلاب بیایند در مشهد در جمع عمومی از مسئولین بخواهند که بیاید تعطیلات را کم کنید آقای حداد عادل تشخیص می دهند که فعلا تعطیلات می تواند همین طور باقی بماند و فعلا صلاح نیست مطرح بشود.

عرض من این است که پیگیری مطالبات و خواسته های رهبری کجا باید انجام بشود؟ شما متاسفانه به این فرهنگ که گفتمان رهبری در کشور تضعیف بشود دامن می زنید. باز نمونه دیگر به رفت و آمد های شما و مدیران شما به قم بازمی گردد. آقای مهدوی به ما یاد داده اند که احترام علمای ضدانقلاب! را هم نگه دارید. ولی اینکه جنابعالی و مدیرانتان هر هفته می روید دیدار مراجع تقلید، معاونت سیاسی، معاونت پژوهشی، معاونت آموزشی و... من نمی دانم شما در قم دنبال چه می گردید؟! مگر ابهامی وجود دارد در کارهایی که شما باید انجام بدهید؟ تازه در بحث مرجعیت هم باز گفتمان رهبری حاکم نیست. وقتی بحث مرجعیت رهبر معظم انقلاب مطرح شد گفته شد که در حال حاضر بیش از ۱۰۰ نفر شایستگی مرجعیت را دارند و مردم می توانند رجوع کنند ولی گفتمان صدا و سیما ما گفتمان جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین است و مثلا ۷ تا از مراجع را جامعه مدرسین انتخاب کرده اند و ۳ نفر را هم جامعه روحانیت انتخاب کرده اند و صدا و سیما روی اینها تبلیغ می کند اما جدیداً در خود صدا و سیما ظاهراً یک عده مرجع شناسی دارند! و صدا و سیما تشخیص داده که می تواند اینها را هم وارد بکند و مسئولینش هم می توانند بروند رهنمود بگیرند! خوب به طور طبیعی وقتی این همه دانشجوی حزب الهی اینجا نشسته اند و سر یک بحث موسیقی به یک توافق نمی رسند شما اگر قرار باشد سر بحث موسیقی هر روز بروید در قم دنبال بحث موسیقی بگردید اصلاً کار شما کار فقهی نیست شما یک حکم می خواهید از رهبری که ایشان صریح و شفاف در اجوبه الاستفتانات بحث موسیقی و رقص را توضیح داده اند و اگر قرار باشد ما بگوییم با فقها نشستیم که نمی شود. فقها احترامشان واجب، کار علمی می کنند و محصول علمی شان می آید گفتمان حوزه علمیه می شود اما نه اینکه سر بحث اجرایی مسئولین صدا و سیما ما در قم دنبال مطلب بگردند.

چندصدایی کجا رفت؟!

یک نکته ای را هم بنده راجع به بحث خبر عرض کنم. حضرت عالی وقتی که به ریاست سازمان انتخاب شدید یک شعاری را به عنوان چندصدایی مطرح کردید و چون تقریباً همزمان هم بود با انتخابات ریاست جمهوری و یک تجربه خیلی موفقی هم

ارائه شد که اگر فضا آزاد باشد و اگر همه گروه‌ها بتوانند حرفشان را بزنند برنده حزب الهی‌ها هستند یعنی در جواب دادن و اینکه بتوانند از خودشان دفاع بکنند کم نمی‌آورند. امام متاسفانه هم آن شعارها از سوی شما فراموشی شد و دیگر کسی اصلا کلمه چندصدایی را از شما نشنید و در این دو سه سال اخیر کالا به فراموشی سپرده شد و انگار نه انگار که قرار بود در این کشور چندصدایی باشد، حزب الهی‌ها تحقیر نشوند و حزب الهی‌ها بلدند از خودشان دفاع بکنند که متاسفانه حضرتعالی به فراموشی سپردید و نتیجه چنین بحثی این است که در صدا و سیما در فضای معاونت سیاسی و خبر مقوله نقد و مقوله انتقادات و ایرادات خیلی کم‌رنگ دیده می‌شود و این به فضای کشور ضربه خواهد زد و ما را دوباره به دوران بد زمان آقای هاشمی رفسنجانی بر خواهد گرداند از لحاظ نقد.

۹۰ سیاسی را از صدا و سیما شروع کنید

جمع بندی من هم این است که چون شاید از این جلسات معمولاً چیز اجرایی و خوبی دستگیر نشود من هم روی همان صحبت آقای خورشیدی تاکید می‌کنم که جناب آقای ضرغامی ما از شما هیچ چیز نمی‌خواهیم جز یک برنامه ۹۰ سیاسی و اگر ترس دارید از اینکه با مخالفت‌های متفاوت مواجه بشوید از خود صدا و سیما آغاز بکنید یعنی ۱۰-۲۰ جلسه اول آن مدیران صدا و سیما و برنامه‌سازان در یک فضای عادلانه‌ای نقد بشوند و فضای سانسور هم آن‌شاء الله در آن نباشد.

متن صحبت‌های آقای سید مجتبی‌امامی:

من چند سالی افتخار داشتم در صدا و سیما در بخشی که شاید رهبری بیشترین تاکید را در سالهای اخیر بر آن داشته‌اند یعنی بحث مهندسی و ساخت پیام و برنامه ریزی محتوایی فعالیت کنم و همین‌جا هم درخواست می‌کنم که یا شما با رهبری صحبت کنید یا دوستان پیگیری کنند و آن سخنرانی‌ها به طور کامل بین همه دانشجویان پخش شود. متاسفانه این جزو سخنرانی‌هایی است که نه متنش و نه صدا و تصویرش دست دوستان نیست اگر دست دوستان باشد می‌توانند مطالبات خودشان را خیلی بهتر و دقیقتر بیان کنند.

صدا و سیما ایران خودرو نیست.

فکر می‌کنم امروز اکثر انتقاداتی که بر شما وارد شد [ناظر] به اجزای یک برنامه بود. خوب است همه دوستان بدانند که صداوسیما ایران خودرو نیست که چهار نوع اتومبیل بسازد بلکه صداوسیما در هر لحظه و هر ساعت یک تولید نو می‌کند. صداوسیما ایران خودرو نیست که یک ماشینش مثلاً سه هزار قطعه داشته باشد بلکه میلیونها قطعه و عنصر دارد که اینها در برابر هم قرار می‌گیرند و با هم یک برنامه را می‌سازند و مثل یک مصداقی از کالاها نیست که فقط با جسم ما سروکار دارد بلکه با روح ما سروکار دارد.

این حرف‌ها را زدم تا اذعان کنم این امر و این مدیریت بسیار بسیار پیچیده است. ما هم قبول داریم شما هر چقدر انتقاد کنید من از قبل به دوستان گفته بودم که آقای ضرغامی از قبل جواب دارند. برای اینکه یک برنامه هزار بعد و هزار پیام دارد. شما دو پیام غلطش را می‌گویید و آقای ضرغامی هم سه پیام درستش را می‌گویند. یعنی به راحتی جواب شما را خواهند داد.

آیا اصل واقعا اینجاست؟ ما باید اصل را به جای دیگری ببریم. مشکل صداوسیما اینجاست؟ چرا بچه‌ها می‌گویند این برنامه روح مذهبی ندارد و شما می‌گویید دارد؟ برای اینکه فکر می‌کنید سه پیام دینی داخلش گذاشتید دینی شد؟ و اینها این دینی بودن را احساس نمی‌کنند.

رهبری بیشترین مایه را برای صداوسیما گذاشتند. لطفاً آن برنامه‌ها را ببینید. ما در سخنرانی‌های رهبری هیچ سخنرانی نداریم که به نظمی باشد که برای صداوسیما انجام داده‌اند. تقریباً مثل یک برنامه ریزی استراتژیک صحبت کردند. تمام آن موارد را بیان کردند و گفتند چه کار کنید، مهندسی پیام را چه اعمالی انجام دهید و...

ما قبول داریم آقای ضرغامی! حوزه ضعیف است. دانشگاه هم ضعیف است. دانشگاه امام صادق هم ضعیف است. شما هر چه این سوالها را مطرح کنید خوب است ما هم می‌فهمیم که خیلی چیزها را نمی‌دانیم. خوب است! این جلسه همینش خوب است که ما می‌فهمیم که به این آسانی نیست و شما هم رو همین امر تاکید دارید که به این آسانی نیست.

آیا مسئله مدیریت یک سازمان ورود به همه سریالهاست؟

ولی می‌گویید عالمانه! ولی می‌گویید دین باید روشن بینانه ترویج شود. گیر من اینجاست. دوستان همه به سطح می‌روند این سازمان است که باید آن محتوا و برنامه‌ها را تولید کند. آقای ضرغامی! اگر قرار است این سازمان مدیریت شود چگونه باید اداره شود؟ آیا آقای ضرغامی باید از این سریال به آن سریال یکی یکی به تمام سریال‌ها ورود کنند؟ اگر دوستان توجه کرده باشند آقای ضرغامی به اکثر سریالها تسلط دارند. برای اینکه به همه آنها ورود کرده اند. آیا مسئله مدیریت یک سازمان ورود به همه سریالهاست؟ آیا ایشان باید همه این بار را یک تنه به دوش بکشند؟ برای همین است که این مسئله اینگونه شده است.

مغز متفکر سازمان ضعیف است

اگر قرار است این سازمان روشن بینانه اداره شود باید مغز متفکری داشته باشد. پس از صحبت‌های رهبری و تاکیدات رهبری طی دو مرحله یک بخش، بخش نظارت در صداوسیما ایجاد شد و بعد بخش برنامه ریزی. و اکنون آقای ضرغامی معاونتی دارند با عنوان نظارت و برنامه ریزی. من تصریح می‌کنم الان این مجموعه باید مغز متفکر سازمان باشد. کسی اگر دو ماه با صداوسیما ارتباط داشته باشد کاملاً این امر را می‌فهمد که ضعیفترین معاونت‌ها معاون نظارت و برنامه ریزی است. اگر قرار است تکذیب کنید هیچ اشکالی ندارد. دوستان جلساتی که با معاونان دارند یک بار معاون برنامه ریزی را بیاورید در چنین جلسه‌ای. بنده نمی‌گویم که ایشان ضعیفند. ما همه ضعیفیم. هیچ کدامان از لحاظ علمی، حوزوی و دینی برای صداوسیما جمهوری اسلامی هیچ نداریم! مشکل داریم!

شما هر چه بگویید، آقای ضرغامی و دوستانشان آن قلت‌های مقابل دارند. ما نمی‌گوییم نادرست است بلکه درست است. من هم قبول دارم ولی باید یک جا به جمع بندی برسیم. در یک جا باید بگوییم که مسئله چیست؟ چه چیزی بر چه چیزی اولویت دارد. چه چیزی اهم بر آن یکی است. آیا جلوگیری از ماهواره دیدن مردم اهم است یا دیگری اهم است. اینجا بحث اهم و مهم هاست. انتخاب بین بد و بدتر هاست.

آقای مهدوی برای ما از امام علی - علیه السلام - ذکر کرده اند که عاقل کسی نیست که بین خوب و بد را تشخیص می‌دهد. بلکه عاقل آن کسی است که بین بد و بدتر را تشخیص می‌دهد. و انتخابها و تصمیم‌هایی که در صداوسیما انجام می‌شود. ۹۹ درصد آن انتخابهای بین بد و بدتر است. ولی بر اساس چه ملاکی؟

معاونت برنامه ریزی، هر روز بدتر از دیروز!

ما ضعیف! حوزه ضعیف! اما چه کسی باید این امر را دنبال کند. آیا کسی غیر از شما باید این امر را دنبال کند؟ شما مصداق عملتان یعنی اولین عملی که می‌توانید انجام دهید این است که این حوزه سازمانی را تقویت بخشید. آیا این کار را کردید؟



طی دو سال گذشته که پی گیری کردم این مجموعه هر روز بدتر از دیروز شده است. الان همکاری کردم چون مشکل را در آنجا دیدم رفتم تا مشکل نظریش را حل کنم. به دنبال مشکل نظری آن رفتم چون شأن خودم را در آن حد دیدم.

من در شوراها سیاستگذاری شما چندین بار شرکت کرده ام. متن های شما را دقیقا خوانده ام. خیلی اوقات گزارشهای شما را تنظیم کرده ام. ولی آقای ضرغامی! مشکلات اینگونه حل نمی شود. شما سیره تان اینگونه بوده که وقتی مثلا گروهی می آمدند و می گفتند حرام است شما چهارتا روحانی از آن طرف می آوردید که می گفتند حلال است. شما هم می گفتید: شما به شما در، ما هم کار خودمان را می کنیم. واقعا از لحاظ علمی کار در صداوسیما اینگونه است. این مسائل را راحت حلش می کنیم. ولی کجا باید این را انجام دهد؟

باز هم می گویم که ما ضعیفیم ولی شما باید مطالبه کنید. شما باید دانشگاه امام صادق را به عبارتی به صلابه بکشانید که آقا من جواب این را می خواهم. شما باید جواب این نظرها را پیدا کنید.

متن صحبت های آقای مسلم ناعلیزاده:

آقای ضرغامی وقتی که دیر به دیر تشریف می آورید در چنین مجامعی سوالات انباشته می شود و بحث ها هم پراکنده می شود و نتیجه ای هم گرفته نمی شود لذا سعی بشود که این جلسات تکرار بشود.

فقر مشاوران مذهبی

من هم نمی دانم از کجا واقعا شروع کنم، از فقر مشاوران مذهبی در صدا و سیما شروع کنم که شما مجبور می شوید مثلا برای سریال حضرت یوسف بروید سراغ کسانی که نه تخصص تاریخی دارند نه تخصص مذهبی دارند و تخصصشان فقط در بازار است و آن وقت فیلم ساخته می شود با این همه ایراد و انتقاد. نمی دانم از رادیو جوان بگویم که با این برنامه هایی که پخش می کند انتقاد مراجع را هم در پی داشته.

آیا برآیند محصولات صدا و سیما در جهت عدالتخواهی است؟

اما من یک نکته اساسی دارم که خواهش می کنم این را پاسخ بدهید، ما چه برویم سراغ قرآن، چه برویم سراغ مشی انبیا، چه برویم سراغ فرمایشات ائمه، چه برویم سراغ حضرت امام و رهبری می بینیم که مساله اصلی در حوزه اجتماع در این منابع مساله عدالت است. دیگر رهبری فرمودند امروز در صدر فهرست بلند مسائل کشور مساله عدالت است. این یعنی هم و غم ما برود سمت مساله عدالت. البته نه اینکه از مسائل دیگر غافل بشویم ولی جهت گیری کلی ما به سمت عدالت باشد. انصافا آقای ضرغامی شما خودتان به عنوان یک مخاطب نه رئیس سازمان صدا و سیما اگر تلویزیون تماشا کنید و یک ارزیابی و برآورد کلی داشته باشید آیا واقعا برآیند محصولات صدا و سیما در جهت عدالتخواهی است؟ یعنی واقعا روحیه عدالت طلبی را دارد در ملت تقویت می کند؟ دارد مسئولین را سوق می دهد به سمت عدالت؟ یا نه حالا عدالتی هم هست؟! اصلا شما تعریفی از عدالت دارید؟ آیا واقعا برنامه ای دارید که جهت گیری هایتان به سمت عدالت باشد؟ ارزش های اسلامی محدود به اینکه اول اخبار صلوات بفرستیم نیست. اینکه شما قبل از اخبار حدیث می نویسید خیلی خوب است ولی چه احادیثی می نویسید؟ احادیثی که غالبا ناظر به جنبه های فردی و اخلاقی است. یک حدیث نمی نویسید که مثلا جامعه را ببرد به سمت مطالبه پاسخ از مسئولین یا از وظایف مسئولین کشور سخن بگوید و خوب است که ما یک تحلیل محتوا از احادیثی که ابتدای اخبار نوشته می شود داشته باشیم تا مشخص شود جهت گیری به چه سمتی است.

متن صحبت های آقای مجتبی احمدی:

اشخاص مهم نیستند

از آقای ضرغامی تشکر می کنیم که بعضی از روحیه های انقلابی شان را حفظ کردند و صندلی هنوز زیاد برایشان نرم نشده! آقای ضرغامی بدون تعارف نه شما مهم هستید نه بنده مهم هستیم نه آقای میرلوحی مهم اند و نه حاج آقای مهدوی مهمند و نه هیچ کس. در واقع اشخاص مهم نیست. امام به ما یاد دادند که من خادم ملت. لذا از این بابت گفتیم که می خواهیم خیلی رک صحبت کنیم.

شما رهبر نیستید...

آقای ضرغامی! من واقعا شما را رهبر سازمان صداوسیما نمی بینم. من شما را در سطح یک آدمی می بینم که می خواهد مسائل جاری و روزمره صداوسیما را اداره کند. بنده برای رهبر، نادرشاه افشار را مثال می زنم. بروید از لحاظ تاریخی نادر شاه افشار را بررسی کنید. کشور در اواخر زمان صفویه به هم ریخته و افغانها آمده اند هفت سال حکومت کردند. اما یکدفعه نادر می آید و در آن مدت کم، آن ملوک الطوایف ها را مهار می کند و کشور را به سمت هند و بصره می برد. البته به رویکرد نظامی اش کاری ندارم بلکه مدل رهبری را می گویم. این ملوک الطوایف ها هنوز هم در داخل هستند. این ملوک الطوایف های سیاسی یا قبایل سیاسی کنونی داخل کشور، عامل از بین رفتن انسجام داخلی و قوت نظام هستند.

در یکی از این جنگها نادر می بیند یکی از این سربازها خیلی خوب می جنگد از او می پرسد وقتی افغانها آمدند تو کجا بودی؟ سرباز می گوید من بودم تو نبود. ما الان بچه های خوب و کاربلد کم نداریم. اما شما امشب آمده اید می گوید آقا برنامه نود فرهنگی-سیاسی بسازید. شما اگر رویکردتان فعال بود خودتان به سراغ بچه ها می رفتید. صحبت من اینجاست: رویکرد منفعل، رویکرد فعال؛ استراتژی آفندی، استراتژی پدافندی.

بهترین دفاع، حمله است

شما امروز می گوید ما باید در برابر حملات رسانه و جنگ رسانه ای ماهواره ها دفاع کنیم. من می گویم بهترین دفاع، حمله است اما شما اهل حمله نیستید. چرا؟ الان می گویم چرا. امام حمله می کرد. استراتژی اش تهاجم بود. حضرت آقا گفتند در سیاست خارجی ما تهاجمی هستیم. یک نمونه بگویم، تعارف که نداریم. دولت آقای هاشمی رفسنجانی گفت تنش زدایی. کشیدیم عقب. چه شد؟ هر چه بیاییم عقب بیشتر ضربه می خوریم. یکی آمد و گفت نه خیر! تا کجا برد؟ تا کلمبیا، نیویورک، هولوکاست، نابودی اسرائیل و... آقای مولانا به عنوان پدر علم ارتباطات بین الملل، گفتند اصلا خود احمدی نژاد رسانه شده است. باز تاکید می کنم که احمدی نژاد هم برای ما مهم نیست. آقای احمدی نژاد هم سرباز عدالت است. دست از پا خطا کند به راحتی کنار می گذاریمش.

شما انقلابی نیستید آقای ضرغامی!

گفتم انقلابی نیستید البته برخی روحیات انقلابی را دارید. بله اشرافیت در رفتار شما نیست، می پذیرید که بچه ها بیایند با هم کار کنیم. اسم کوچک بچه ها را صدا می زنید و... ولی انقلابی نیستید آقای ضرغامی! اگر انقلابی بودید می رفتید بچه ها را جمع می کردید نه اینکه ما چقدر داد بزنیم آقای ضرغامی بیایید، ما حرف داریم. اگر انقلابی بودید رسانه انقلاب را رسانه انقلاب می دید.

رسانه پیرو هستید نه رسانه پیشرو

خود امام در مورد رسانه ملی گفت: دانشگاه انقلاب. یعنی باید همه بچه‌هایی که بچه‌های انقلاب اند باید هم بیایند در این جا رشد کنند و هم خود اینها بیایند برای انقلاب گفتمان بسازند. اما شما شده اید رسانه پیرو. نشستید ببینید چه موجی در جامعه به وجود می‌آید و ماهواره‌ها چه می‌گویند. بعد یک خورده با عوض کردن آیت‌های آن، برنامه بسازید. شما رسانه پیرو شده اید، رسانه پیشرو نیستید.

من می‌گویم بیایید در این فاز کار کنید. البته این کار خیلی مفصل است و بنده وارد جزئیات نمی‌شوم ولی روندهایش را هم می‌توانم بگویم. لذا آقا گفتند خطرپذیری. اگر انقلابی نباشیم خطرپذیری نمی‌کنیم و حاضر نیستیم به خیلی از حوزه‌ها دامن بزنیم و مصلحت‌اندیش می‌شویم. خلاقیت، نوآوری، شکوفایی، فتح مناطق ناگشوده، اینها همه‌اش واژه‌هایی است که حضرت آقا گفتند. راضی شدن به وضعیت موجود! محافظه‌کاری! توجیه! من می‌گویم بچه‌های انقلاب و آقای ضرغامی که از بچه‌های انقلابند می‌آمدند و می‌گفتند من نمی‌خواهم توجیه کنم. من که رفتنی هستم و اصلاً مهم نیستم. بله این مشکلات در رسانه صداوسیما هست. مشکلتش من هستم. شمای حاج آقا مهدوی هم هستید. شما که دانشگاه امام صادق راه انداخته اید و بعد از ۲۵ سال هنوز در مورد عدالت یک ذره حاضر نیستید کار کنید.

با مردم صادق نیستیم

آقای ضرغامی! چرا مردم به ماهواره‌ها رو می‌آورند؟ چون ما صادق نیستیم. مردم چرا برنامه نود را نگاه می‌کنند؟ sms هایش در ساعت ۱ و ۲ نیمه شب به یک میلیون می‌رسد! چرا؟ چون صداقت دارد. ما صداقت نداشتیم که مردم از ما دور شدند. من می‌خواهم بگویم در عدالتخواهی باید صداقت داشته باشیم. اگر صداقت نداشته باشیم آقای فرزاد حسنی را روبروی آقای هاشمی در برنامه فوق‌العاده می‌گذاریم. ولی اگر صداقت داشته باشیم آقای فرزاد حسنی اصلاً در قدوقواره این کار نبود. در انقلاب کجا بوده؟ تاریخ انقلاب را کجا می‌داند؟ این مهره‌ها را از کجا می‌فهمد؟ که بیاید در مقابل آقای هاشمی بنشیند و از آقای هاشمی بخواهد که آقای هاشمی پاسخگو باش! آقای خاتمی پاسخگو باش! آقای مهدوی کنی به عنوان یکی از بزرگان نظام که قرار بود برای نظام تولید فکر کنید شما پاسخگو باش!

من می‌گویم ما اصلاً صداقت در عدالتخواهی نداریم. اگر می‌خواهیم برویم سراغ عدالت این برنامه فرزاد حسنی و هاشمی رفسنجانی آدرس غلط است. این صداقت در عدالت نیست آقای ضرغامی! صداقت این است که منتقدین جدی آقای هاشمی و خاتمی و خیلی‌های دیگر در مقابلشان قرار گیرند. بچه‌های انقلاب اند که منتقد آقای هاشمی، آقای خاتمی و خیلی‌های دیگرند.

لذا عدالت سیاسی مهمتر از عدالت اقتصادی است. «الناس علی دین ملوکهم»، «لا تصلح الرعيه الا بصلاح الولاه» و الی ماشاءالله که در جامعه‌شناسی سیاسی اسلام به ما گفته‌اند که «الناس بامرائهم اشبه من آبائهم». لذا به این مسئله هم توجه داشته باشید که آدرس غلط در عدالتخواهی ندهید...